



خاطره فرمانده سپاه از تسخیر لانه جاسوسی  
عملیات شناسایی  
با هوندا ۱۱۰



هفته اول آبان ماه ۱۳۵۸، جلسهای مهم، با محوریت انجمن اسلامی دانشگاه تهران، که مسئولیتش بر عهده حبیبالله بی طرف بود، با مشارکت انجمن‌های اسلامی دانشجویی دانشگاه‌های تهران برگزار شد. در آن ایام، من نماینده انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا و عضو شورای سیاست‌گذاری انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران بودم. رحمان دامغانی هم عضو این شورا بود. نمایندگی انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی شریف را آقای یوسف‌رضا سیفاللهی بر عهده داشت. غیراز این آقایان، نمایندگانی هم از طرف انجمن‌های اسلامی دانشجویی دانشگاه پلی‌تکنیک و دانشگاه علم و صنعت در جلسه حضور داشتند.

بعد از چندین ساعت بحث و گفت‌وگو، عمده نقرات حاضر در جلسه به این نتیجه رسیدند که سررشته بسیاری از توطئه‌ها و شورش‌هایی که در کشور انجام می‌شود می‌رسد به سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران. به همین سبب تصمیم گرفته شد، ضمن یک حرکت نمادین دانشجویی، این محل به دست دانشجویان مسلمان اشغال شود. خوب به خاطر دارم در آن جلسه، به صلاح‌دید حضار، قرار شد کلیه تمهیدات به کار گرفته شود تا خبر این تصمیم به بیرون درز پیدا نکند. مصوبه دیگر جلسه این بود که هر چه سریع‌تر شناسایی‌های دقیقی از موقعیت سفارتخانه به صورت خیلی مخفی و محرمانه انجام بگیرد. برای تحقق این امر، قرار شد بچه‌های عضو تیم‌های شناسایی روزی چند پانز، سوار بر طبقه فوقانی اتوبوس‌های دوطبقه خط میدان سپاه به میدان انقلاب، که از مقابل سفارت آمریکا عبور می‌کردند، محوطه داخل سفارت را دقیقاً زیر نظر بگیرند و ضمن یادداشت ریز مشاهده‌اشان آن‌ها را به مسئولان امر در انجمن اسلامی دانشگاه انتقال بدهند. خود من هم سوار بر موتور هوندا ۱۱۰ چند نوبت رفتم و خیابان‌ها و کوچه‌های اطراف سفارت را به‌خوبی شناسایی کردم. بعد از تکمیل اطلاعات مورد نیاز، تصمیم گرفته شد در اولین فرصت مناسب ایده تصرف موقت سفارت آمریکا را عملی کنیم. یکی از دو نفری اصلی ما به واکنش دولت موقت مربوط می‌شد که میباید از طرف رئیس این دولت علیه حرکت اعتراضی بچه‌ها موضع‌گیری منفی علی‌الوجه بگیرد. نگرانی دوم ما مربوط می‌شد به اینکه میباید جریان‌هایی نظیر مجاهدین خلق و گروه‌های چپ چریکی در صف ما رخنه کنند و اعمالی را انجام دهند که هم اصالت حرکت ما را نزد امام و مردم زیر سؤال ببرند و هم مهم‌ترین گزک را به دست دولت موقت بدهند، که ضمن برخورد با بچه‌های ما این راه‌کار اعتراضی را سرکوب کنند.

بعد از تکمیل فاز شناسایی‌های معیاری اطراف و فضای داخلی سفارتخانه، نوبت رسید به انتخاب موعد مناسب برای وارد عمل شدن بچه‌ها. بحث زیادی انجام گرفت. هر روز کسی را برای اقدام پیشنهاد می‌کرد. دست‌های اعضای حاضر در جلسه به اجراء رسیدند که بهترین موعد ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ است. قرار بود آن روز مردم تهران، به مناسبت یازدهمین سالگرد تبعید امام و اولین سالگرد کشتار دانش‌آموزان از سوی رژیم شاه و نیز اعلام اعتراض به دخالت‌های آمریکا در امور داخلی ایران، راهپیمایی اعتراض‌آمیزی به سمت سفارتخانه آمریکا بر پا کنند. قرار شد ما بین مردم بر بجزویرم و به محض رسیدن به مقابل سفارت از صف مردم بیرون بزنیم و به سفارت هجوم ببریم.

صبح روز ۱۳ آبان‌ماه، در حالی که منم باران خیابان‌های پایتخت را خشک کرده بودم، سیل جمعیت مردم در خیابان طالقانی به راه افتاد. گروه‌های مختلف دانشجویی هم از چندین دانشگاه تهران بین جمعیت در حرکت بودند و دست‌آخر در محلی نزدیک سفارت به هم ملحق شدند. بعد، براساس هماهنگی‌های بعمل آمده، همگی به سمت گیت اصلی سفارت آمریکا، در تقاطع خیابان مبارزان طالقانی سرازیر شدیم. به محض اینکه در مقابل ورودی اصلی سفارت قرار گرفتیم، نقرات پیشتاز تعیین‌شده سریع از دیوار سفارت بالا کشیدند و به داخل آن نفوذ کردند.

عمده دانشجویان پیشرو از دانشکده‌های فنی و پزشکی بودند. شخصیت برجسته آن جمع شهید بزرگوارمان محسن وزوایی بود. از قبل هماهنگ شده بود آقای کمال تبریزی کلیه مراحل اشغال را با حدود سی‌وپه‌هشتاد خودشان فیلمبرداری کنند. ازدحام جمعیت به حدی زیاد بود که به راحتی نمی‌شد مردم را کنترل کرد. من و چند تا از بچه‌ها ایستادم جلوی در ورودی و دیوار انسانی تشکیل دادیم تا مانع ورود افراد متفرقه و ناشناس به داخل محوطه سفارتخانه بشویم. زمان دقیق تکمیل تصرف سفارت را به یاد ندارم. شاید دو سه ساعتی طول کشید تا بچه‌ها به همه بخش‌های اداری و غیراداری سفارت آمریکا مسلط بشوند و پرسنل آمریکایی و ایرانی شاغل در آنجا را دستگیر کنند. بعد معطلی بچه‌ها مربوط می‌شد به رخنه و تصرف ستاد امنیاسی جنوب غربی (C.I.A.) و بخش‌های اتاق رزم و تله‌تایپ و سایر مراکز فوق‌سری آنجا. این هم علت داشت. گارد سفارت، که از اعضای سپاه تفنگداران دریایی ایالات متحده با نام اختصاری U.S.M.C بودند، به‌شدت مقابل بچه‌ها مقاومت می‌کردند. بعدها متوجه شدیم علت مقاومت آن‌ها خریدن فرصت برای مأموران C.I.A در اتاق‌های رزم برای از کار انداختن کامپیوترها و نابود کردن بخش مهمی از اسناد سری مأموران ایرانی‌شان، به کمک دستگاه‌های عظیم کاغذخردکن، بوده است. خوشبختانه، سرنجام بچه‌ها موفق شدند مقاومت گارد سفارت را در هم بکوبند و آن بخش‌ها را هم تسخیر کنند.

بدعهی آمریکا به روایت تاریخ

# قرار داد الجزایر

## مصدقاق دبه سیستماتیک آمریکا

■ مسعود اکبری



**\* آمریکا تحریم‌های تجاری را که به موجب بیانیه‌ها ملغی اعلام کرده بود، در سال‌های جنگ تحمیلی (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ هـ.ش) و پس از پایان آن، به انواع و روش‌های دیگر برقرار کرد. این در حالی است که تعهدات مذکور در قرارداد الجزایر، محدود به زمان خاصی نبود.**

آمریکا و ما مؤسسات متعلق به حکم رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر شناسایی و توقیف این اموال و دارایی‌ها به ایران. پس از این اقدام، الجزایر به عنوان میانجی دولت ایران و دولت آمریکا از سوی دو کشور پذیرفته شد. متعاقباً مذاکرات فشرده‌ای در الجزایر به جریان افتاد و در نهایت قرارداد الجزایر امضاء و تصویب رسید. تصمیم بر آن شد که همزمان با اجرای قرارداد، الجزایر آزاد شوند. بر طبق قرارداد الجزایر تعهد آمریکا در مقابل ایران عبارت بود از: ۱. تعهد حتی‌المقدور ایالات متحده به بازگرداندن وضعیت دارایی‌های ایران به دوره قبل از ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۳ آبان ۵۸) که تاریخ صدور دستور انسداد سرمایه‌های ایران از طرف رئیس‌جمهور وقت آمریکا بود. ۲. لغو کلیه تحریم‌های تجاری علیه ایران ۳. استرداد دارایی‌های ایران متعلق به ایران است و صدور

هیچ دروغ و افترا و تهمت در این مورد فروگذار نکردند. در حالی که آمریکا و انگلیس به فرزندان عزیز ما بدترین اهانت‌ها و شکنجه‌های جسمی و روحی را نمودند و هیچ مقام رسمی‌ای در مجامع بین‌المللی از این دوستان عزیز ما دفاع نمود و هیچ‌کس آمریکا و انگلیس را در مقابل این رفتار وحشیانه، محکوم نکرد. از خداوند متعال آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی را برای تمام ملت‌های دربند آرزو مندیم». (ص ۱۳، ص ۸۳)

در ۱۱ آبان ۱۳۵۹ مجلس شورای اسلامی براساس پیام امام خمینی (ره) طرحی ۴ ماده‌ای را تصویب کرد و دولت را موظف به اجرا و رعایت آن نمود. در این طرح آمده است: - از آنجا که دولت آمریکا در گذشته همواره در امور داخلی کشور ایران دخالت‌های گوناگون سیاسی و نظامی کرده است، بنابراین باید تعهد و تضمین کند که از این پس هیچ‌گونه دخالت مستقیم و غیرمستقیم سیاسی و نظامی در امور جمهوری اسلامی ایران را عمل حاکمیت خود مبنی بر مصادره اموال شاه معذور و بستگان نزدیک وی که طبق قوانین ایران اموالشان متعلق به ایران است و صدور

با یک بررسی مختصر تاریخی می‌توان به مصادیق متعددی از بدعهی آمریکا در توافقات و قراردادهای با سایر کشورها دست یافت. در نگاه اول شاید این مسئله به ذهن خطور کند که بدعهی آمریکا

**\* تعدادی از فعالین سیاسی که در تسخیر لانه جاسوسی نیز حضور داشتند در سالیان بعد به جرگه مدعیان اصلاحات پیوسته و با وجود «آظهر من الشمس» بودن بدعهی آمریکا، بی‌توجه به این عهدشکنی تاریخی، برای آمریکا آغوش باز کردند و همچنان به رابطه با شیطان بزرگ - حتی به قیمت پایمال شدن منافع ملی - دل بسته‌اند.**

نسبت به کشورهای بوده است که آمریکا در جایگاه دشمنی با آن‌ها قرار داشته است. اما واقعیت چنین نیست.

حادثه گروگان‌گیری نقطه عطفی در تاریخ سیاسی آمریکا بود. آمریکا در تقابل با این وضعیت دست به قطع واردات نفت از ایران، قطع کامل روابط تجاری با ایران، انسداد دارایی‌های ایران و اخراج برخی از دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا بود.

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، تسخیر لانه جاسوسی را انقلاب دوم نامیدند و پس از ماجرای گروگانگیری، در فرمانی حل و فصل موضوع گروگان‌ها را به مجلس واگذار کردند.

حضرت اسام خمینی (ره) همچنین با اشاره به موضوع تلاش کرد تا با یک سلسله عملیات کماندویی گروگان‌ها را آزاد کند که این اقدام منتهی به ماجرای طلبس شد و در نهایت دولت کارتس را امید از صحنه عقب نشست و ناچار به حل مناقشه از طریق مذاکره شد. کنگره آمریکا در ۹ مرداد ماه ۱۳۵۹ در نامهای خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: «ما از تمام موضوعات مهم داخلی که در برابر دولت شما قرار دارد آگاه هستیم. از شما مصرح می‌خواهیم برای موضوع گروگان‌ها بهترین و بالاترین اولویت را قائل شویم.»

در ۱۰ شهریورماه ۱۳۵۹ نمایندگان مجلس در پاسخ

نشده است و همچنان حدود ۲/۵ تا ۳ میلیارد دلار از وجوه نقد و طلای ایران، سرنوشتی نامشخص دارد و در اسناد بیابانه الجزایر نیز اشاره‌ای به آن نشده است. در مقابل، ایران یک روز بعد از بیانیه الجزایر، به تعهد اصلی خود که همان آزادی گروگان‌ها بود، عمل کرد. اما متأسفانه مبالغ زیادی از داشته‌های ایران در آمریکا برای پرداخت قروض به نهادهای آمریکایی در آمریکا بلوکه شد و به مردم، سازمان‌ها و مؤسسات آن کشور پرداخت شد. همین موضوع باعث شد تا برخی عنوان کنند «که تشکیل دیوان دآوری به نفع آمریکا تمام شده است، زیرا این دولت ضمن این مداخلات شد. تصویب ۲۰ میلیون دلار بودجه در سنای آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی ایران یکی از صدها دلیل این تخلف بوده است. علاوه بر آن، آمریکا تحریم‌های تجاری را که به موجب بیانیه‌های اعلام کرده بود، در سال‌های جنگ تحمیلی (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ هـ.ش) و پس از پایان آن، به انواع و روش‌های دیگر برقرار نمود. این در حالی است که تعهدات مذکور در قرارداد الجزایر، محدود به زمان خاصی نبود.

قرارداد الجزایر و بدعهی‌های آمریکا در اجرای آن، مصداقی روشن از دبه سیستماتیک استکبار در توافقات بین‌المللی است. این اولین مرتبه‌ای بود که نظام جمهوری اسلامی ایران برای استیفای حقوق خود با آمریکا وارد مذاکره شد اما در همین اولین گام، عهدشکنی آمریکا بی‌اعتمادی را زود را در ذهن ملت ایران ایجاد کرد. در خاتمه اشاره به یک موضوع خالی از لطف نیست و آن اینکه، تعدادی از فعالین سیاسی که در تسخیر لانه جاسوسی نیز حضور داشتند در سالیان بعد به جرگه مدعیان اصلاحات پیوسته و با وجود «آظهر من الشمس» بودن بدعهی آمریکا، بی‌توجه به این عهدشکنی تاریخی، برای آمریکا آغوش باز کردند و همچنان به افزایش رابطه با شیطان بزرگ - حتی به قیمت پایمال شدن منافع ملی - تأکید می‌کنند.



بوده است در مذمت جنایات آمریکا و پلیدی‌های استکبار جهانی و مدح بیداری مردم سراسر جهان و انقلاب مردم ایران. ترجیح‌بندی که مردم تکرار می‌کردند این بود «کار آمریکا بود، نقشه سیا بود/ مرگ به کارتر، مرگ به کارتر»

در بخشی از این اتاق تصاویر دانشجویانی که در تسخیر سفارت شرکت داشتند و بعداً در دوران دفاع مقدس شهید شدند دیده می‌شود و در این میان تصویر شهید محسن وزوایی بیشتر به چشم می‌خورد با جدیت انقلابی‌اش که در دوران تسخیر سفارت به دلیل تسلط به زبان انگلیسی مسئولیت سخنگوی دانشجویان پیرو خط امام را برعهده داشت.

بازدیدمان از موزه ۱۳ آبان پایان یافته و در حال برگشت در محوطه لانه جاسوسی با صندلی‌هایی مواجه می‌شویم که حکایت از برگزاری مراسمی تحت عنوان «سفارت نفوذ با حضور فاتحان لانه در سال ۵۸» دارد. در این برنامه قرار است تعدادی از دانشجویان سابق حاضر در تسخیر سفارت شرکت کنند. هرچند تعدادی انگشت شمار از فاتحان لانه جاسوسی از انقلاب دوم پشیمان شده‌اند و خواب رابطه با آمریکا را می‌بینند اما قریب به اتفاق ۴۰۰ دانشجوی پیرو خط امام (ره)، هنوز هم بر همان عهد هستند و معتقدند استکبارستیزی تعطیل‌بردار نیست.



بازدیدمان از موزه ۱۳ آبان پایان یافته و در حال برگشت در محوطه لانه جاسوسی با صندلی‌هایی مواجه می‌شویم که حکایت از برگزاری مراسمی تحت عنوان «سفارت نفوذ با حضور فاتحان لانه در سال ۵۸» دارد. در این برنامه قرار است تعدادی از دانشجویان سابق حاضر در تسخیر سفارت شرکت کنند. هرچند تعدادی انگشت شمار از فاتحان لانه جاسوسی از انقلاب دوم پشیمان شده‌اند و خواب رابطه با آمریکا را می‌بینند اما قریب به اتفاق ۴۰۰ دانشجوی پیرو خط امام (ره)، هنوز هم بر همان عهد هستند و معتقدند استکبارستیزی تعطیل‌بردار نیست.

### کشف رمز «شمسی»

تسخیر لانه به روایت تصاویر

در بخش پایانی بازدید از لانه جاسوسی با اتاقی مواجه می‌شویم که به تصاویر مختلف از این واقعه تاریخی و انقلابی اختصاص دارد. در قسمتی از این اتاق تصاویر گروگانگیری آمریکایی دیده می‌شود، که دانشجویان در روز کریسمس در حال دادن هدیه به گروگان‌ها در سفارت دیده می‌شوند. همچنین تصاویری مربوط به اجرای مراسم روز عید پاک در کتابخانه سفارت وجود دارد که نشان می‌دهد سه کشیش آمریکایی به سفارت آمده‌اند تا مراسم عید پاک را اجرا کنند.

از عکس‌های سپیاه و سفید قدیمی که زیاد هم هستند و باعث می‌شود تا با وسواس بیشتری به عکس‌ها خیره بشویم جمعیت مردمی در حمایت از اقدام دانشجویان در طول ۴۴۴ روز تسخیر سفارت است. در این میان تصاویر مربوط به مراسم عاشورای سال ۵۸ مقابل سفارت دیده می‌شود که شهید مهدی رجب بیگی، دانشجوی

